

علم أصول الفقه

٧٩

٩٣-٢-٦ سیره و ارتکاز

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

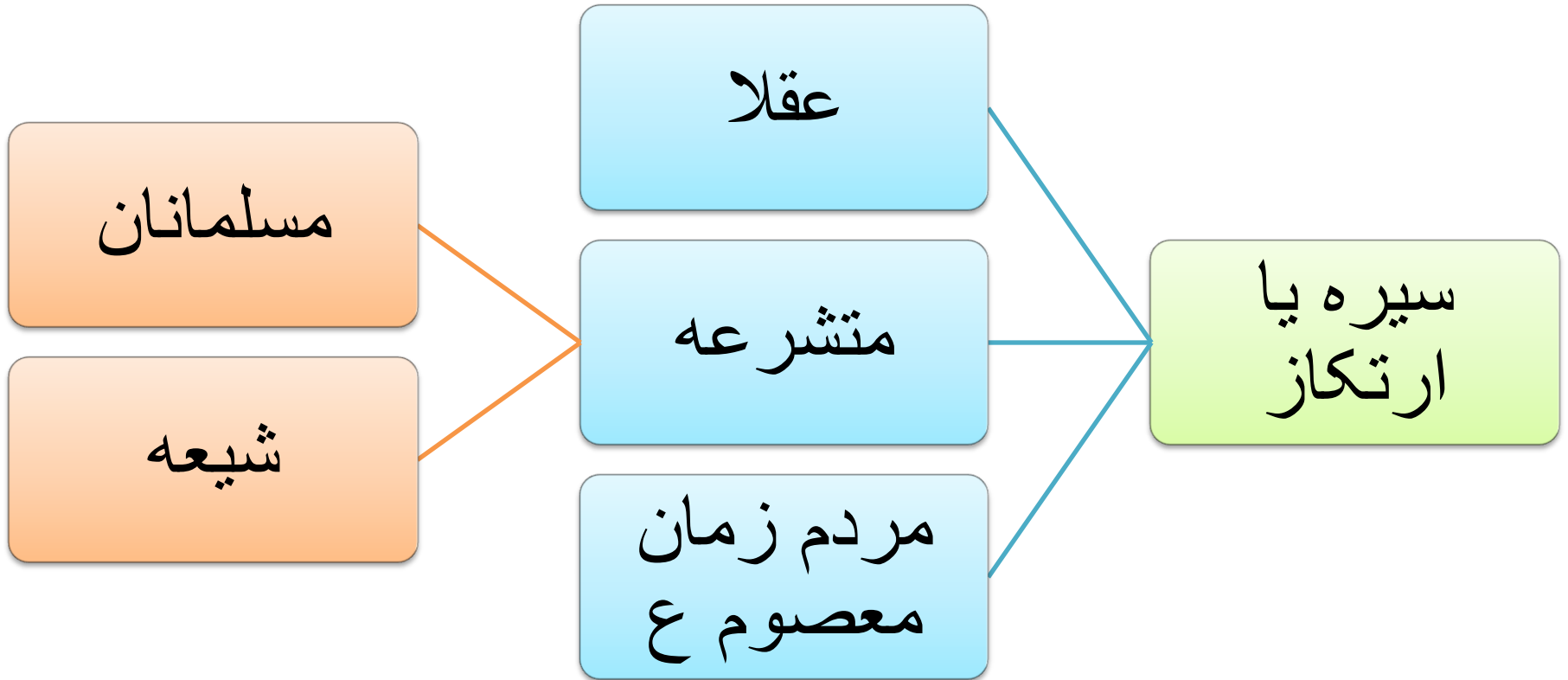
منش عملی و
عادات رفتاری

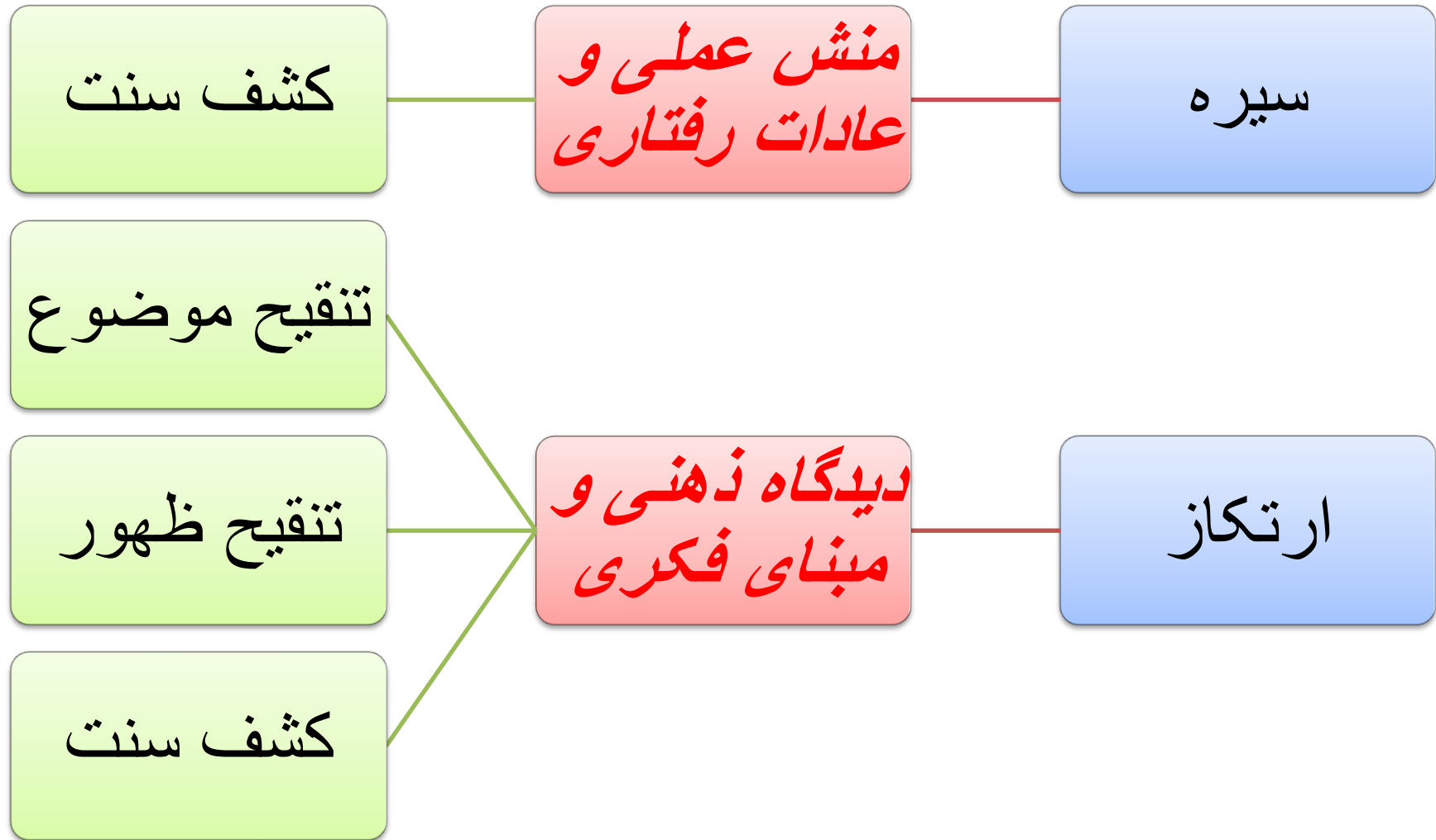
سیره

دیدگاه ذهنی و
مبنای فکری

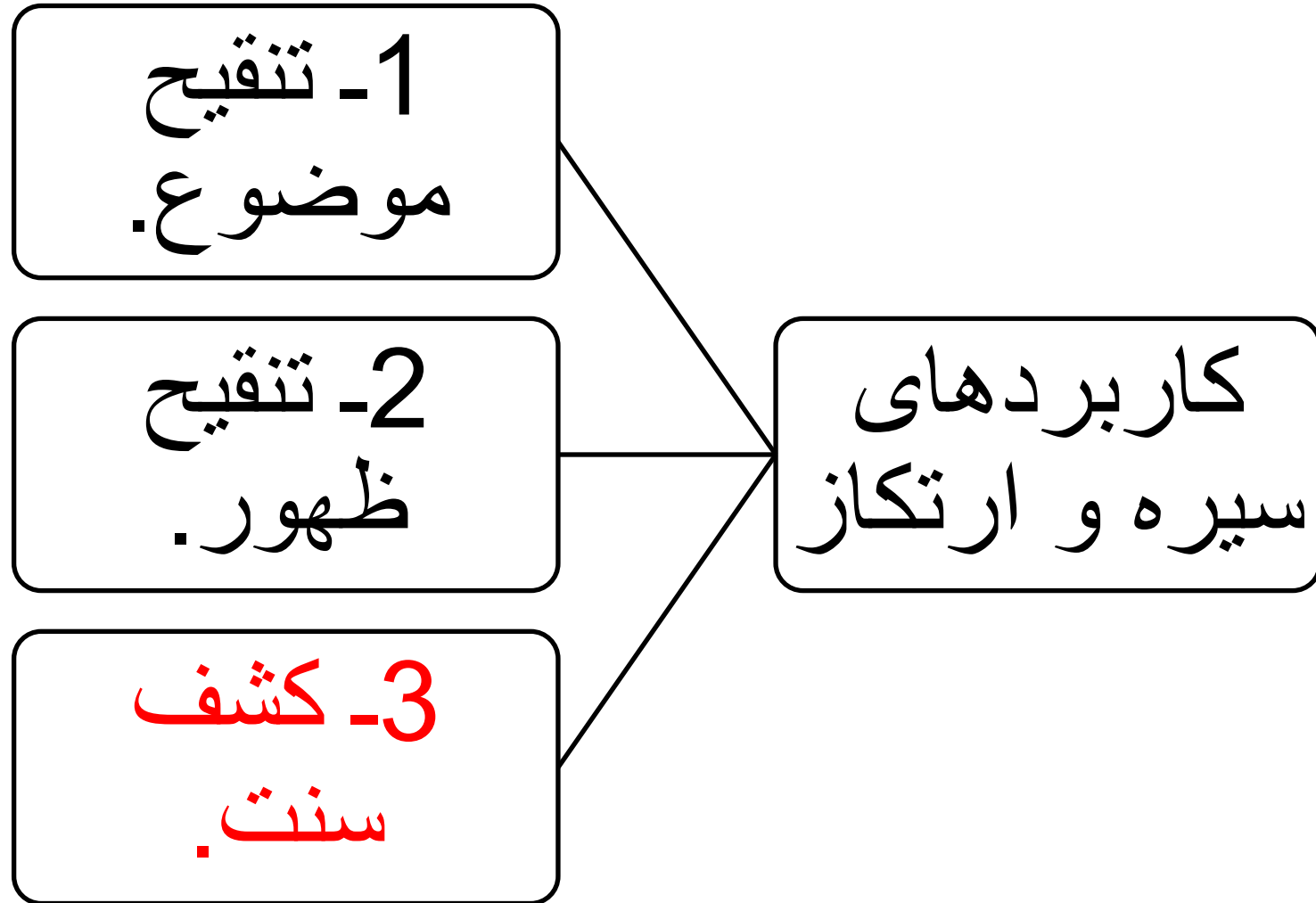
ارتکاز

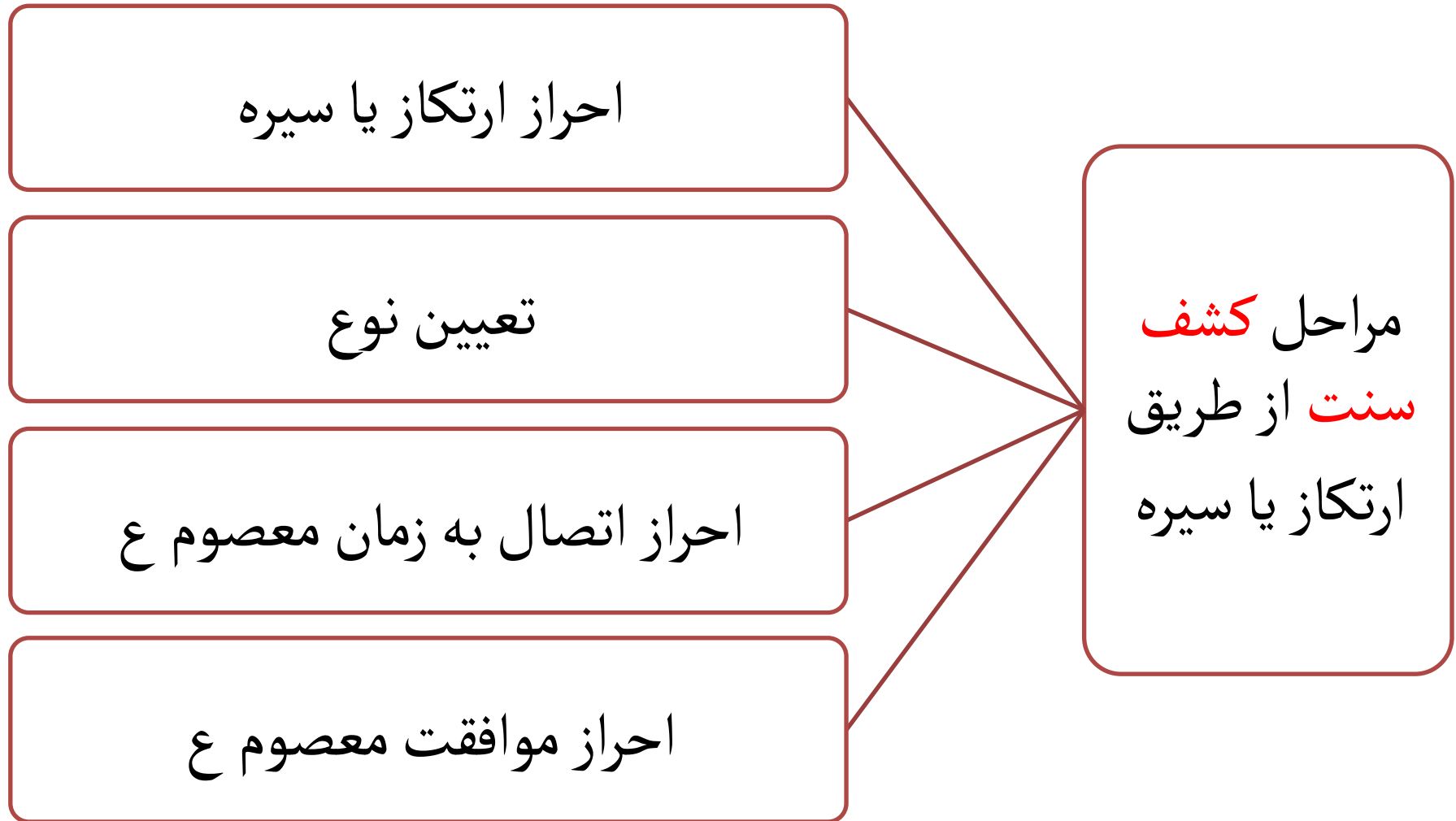
میزان احتمال تأثیر موقعیت

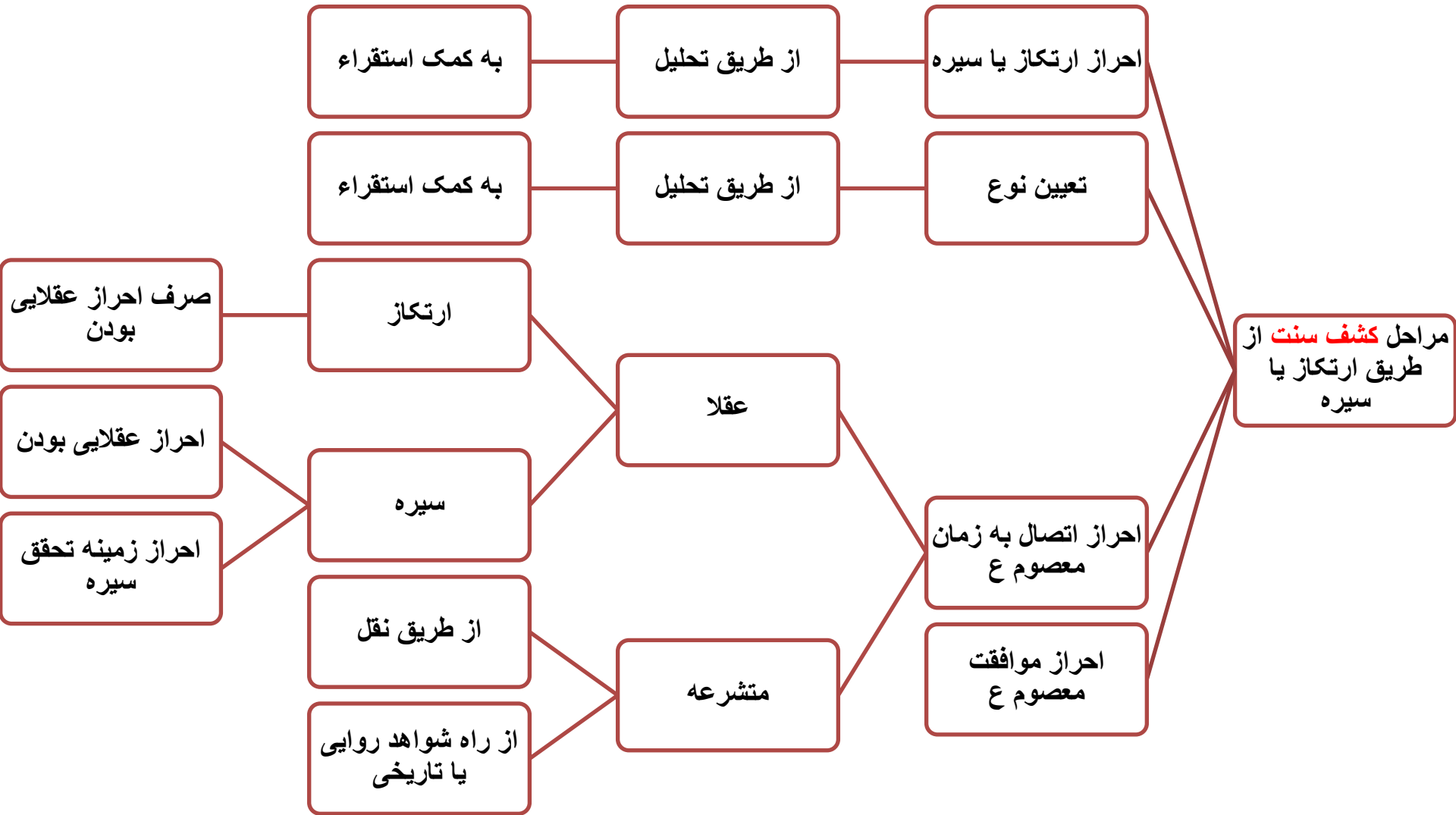


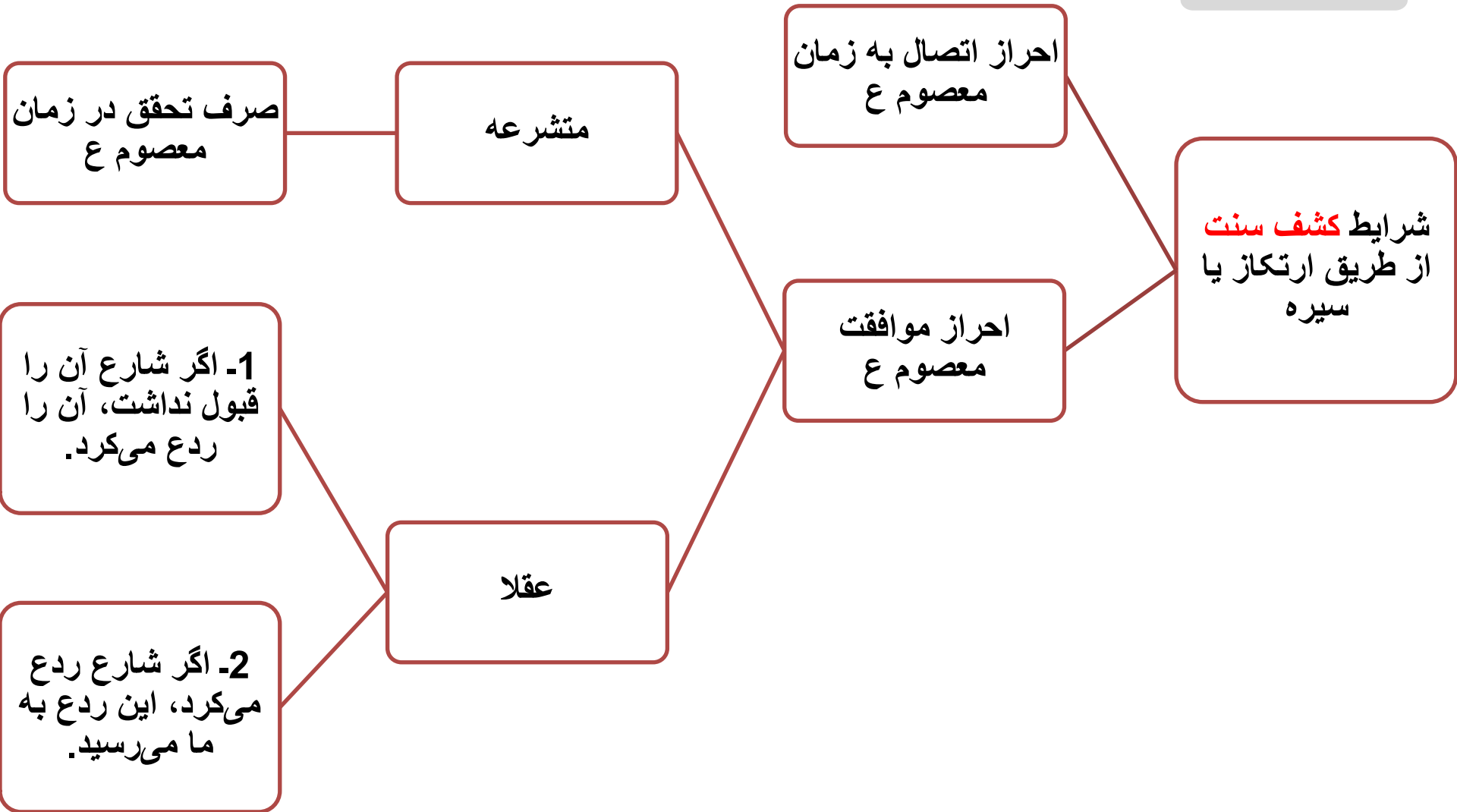


کاربردهای سیره و ارتکاز









مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی
است پس وقتی دیدگاهی مورد قبول وی
نیست باید تذکر دهد

1- اگر شارع آن را
قبول نداشت، آن را
ردع می‌کرد.

احراز موافقت
معصوم ع

ظهور حال

عقلا

راه کشف امضای معصوم

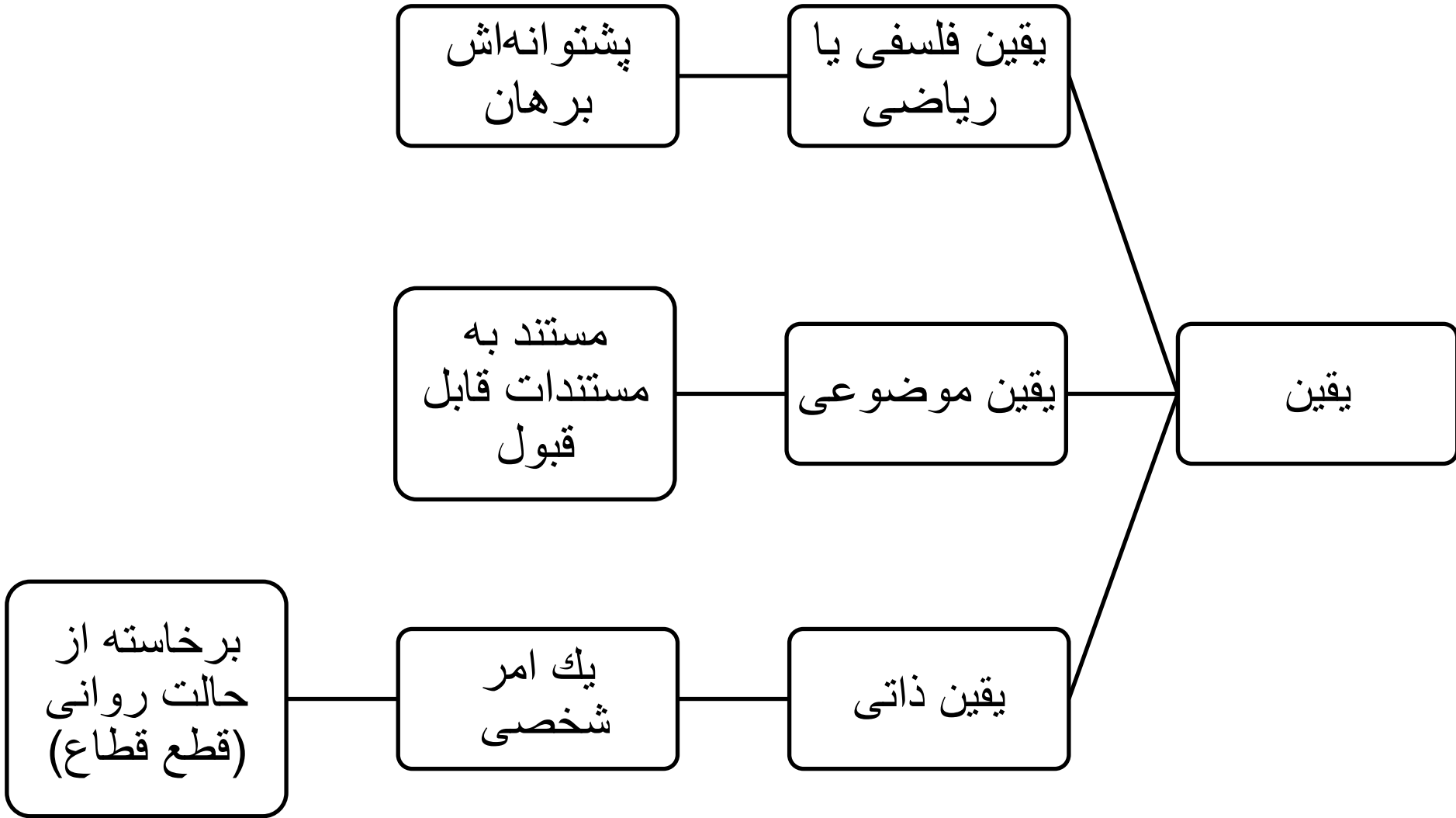
- سیره و ارتکاز کاشف یقینی از امضای شارع
- حجیت سیره و ارتکاز مبتنی بر یقین است؛ یعنی ما سیره و ارتکازی را حجت می‌دانیم که به یقین امضا شده باشد و سیره و ارتکازی کاشف از حکم است که به یقین کشف از حکم کند نه به صورت ظنی؛ چون دلیل ما بر حجیت سیره و ارتکاز چیزی جز یقین نیست.

راه کشف امضای معصوم

- نکته‌ای که شهید صدر - رضوان الله تعالى علیه - می‌خواهد بگوید این است که یقین در اینجا یقین به معنای برهانی و فلسفی نیست.
- در شرطیه دوم می‌گوییم محال است که شارع ردع کند و به ما نرسد.
- مقصود ما محال عادی است؛ یعنی به حسب عادت این امر محقق نمی‌شود؛ گرچه در نظر عقل محال نباشد.

راه کشف امضای معصوم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - معتقد است که پذیرش این استدلال امر به مبانی استقراء برمی گردد. ایشان معتقد است که انسان در زندگی متعارف چند گونه یقین پیدا می کند:



راه کشف امضای معصوم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می گوید یقین‌هایی که در حوزه فقه و اصول داریم، معمولاً از قبیل نوع سوم است و یقین برهانی که حکم عقلی بتی باشد، کمتر است.

راه کشف امضای معصوم

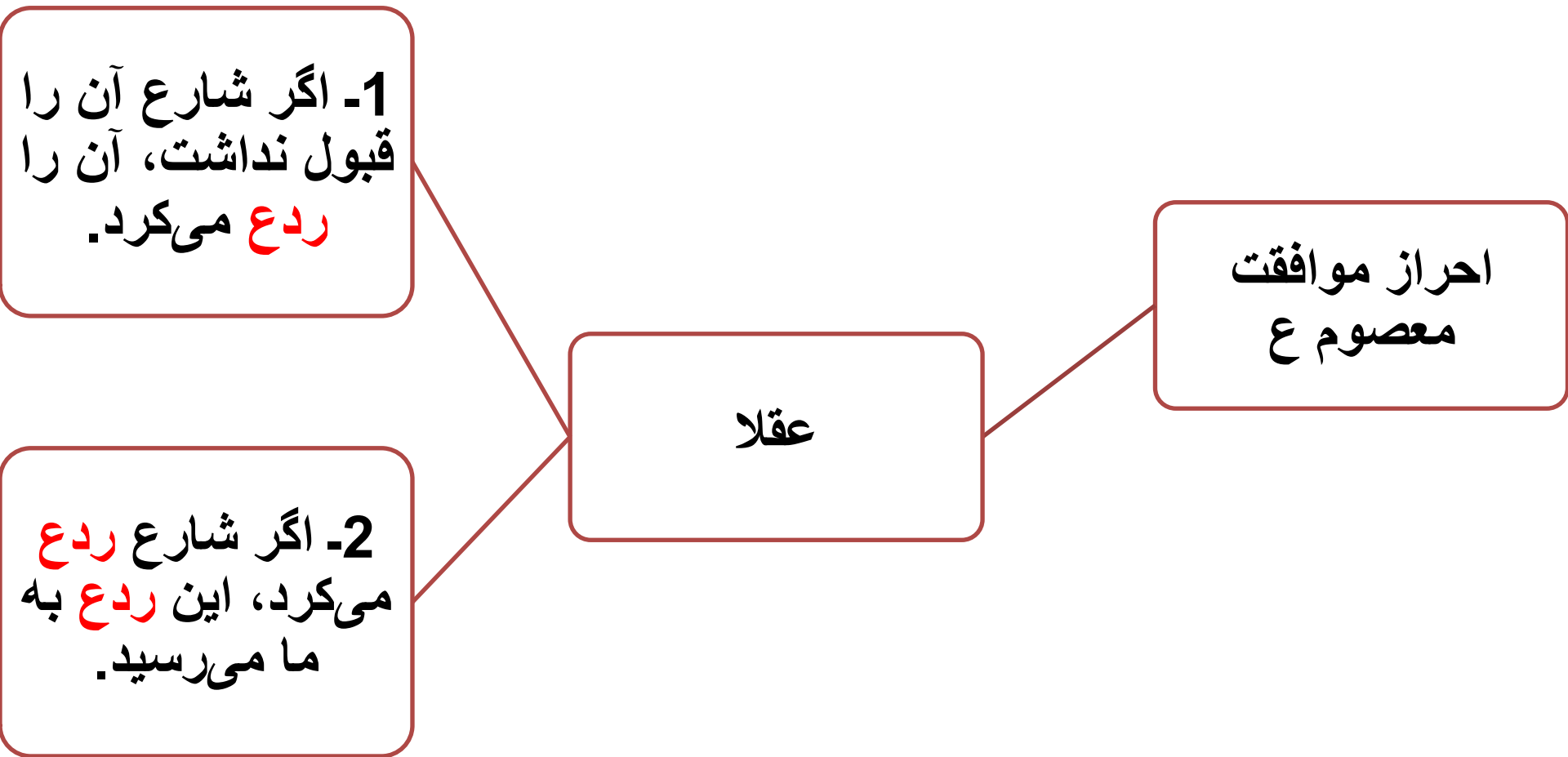
- در بحث امضای سیره و ارتکاز عقلائی دو شرطیة به مثابة دو مقدماته یک استدلال وجود دارد که یکی مبتنی بر یقین برهانی است؛ زیرا می‌گوییم اگر شارع این سیره یا ارتکاز را قبول نداشت، ردع می‌کرد؛ چون مسئولیتش این را اقتضا می‌کرد؛
- یعنی با توجه به حکمت تشریح و مسئولیت شارع محال است که شارع حکیم وقتی می‌بیند یک سیره یا ارتکاز خلاف شریعت وجود دارد و ممکن است به امور دینی سرایت کند، در قبال آن ساکت بنشیند.

راه کشف امضای معصوم

- یقین حاصل از این استدلال برهانی است. در شرطیة دوم می‌گفتیم اگر ردع شده بود، به یقین به ما می‌رسید. در اینجا اگر ردع شود و به ما نرسد، استحاله‌ای در پی ندارد.
- ولی مجموعه ویژگی‌های ردع یک سیره یا ارتکاز عقلایی اقتضا می‌کند که اگر ردعی شده‌است، به یقین به ما برسد. این یقین، حسب تعبیر شهید صدر یقین حاصل از حساب احتمالات است و حسب تعبیر دیگر ایشان یقین استقرائی است نه یقین برهانی.

راه کشف امضای معصوم

- حال وقتی در یک استدلال یکی از مقدمات یقین برهانی و مقدمه دیگر یقین استقرائی باشد ارزش این استدلال ارزش در حد یک استدلال استقرائی است نه ارزش یک استدلال برهانی؛ چون نتیجه تابع اخص مقدمات است. بنابراین باید به امضای شارع یقین پیدا کنیم. ولی نه یقین برهانی نیست.



مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی
است پس وقتی دیدگاهی مورد قبول وی
نیست باید تذکر دهد

1- اگر شارع آن را
قبول نداشت، آن را
ردع می‌کرد.

احراز موافقت
معصوم ع

ظهور حال

عقلا

راه کشف امضای معصوم

- آقا سید احمد زنجانی - رضوان الله تعالى عليه - در «الكلام يجبر الكلام» گفته است روزی پشت بام فیضیه نشسته بودیم. در کنار حوض فیضیه از دماغ کسی یک قطره خون به داخل حوض افتاد. فرد دیگری که کنار ما بود یک دفعه دست به گردن خودش گذاشت و گفت آن قطره خون به گردن من ترشح کرد و واقعاً هم یقین داشت. (الكلام يجبر الكلام، ص ؟) می دانیم این را به هر عاقلی بگوییم می خندد. این یک یقین ذاتی و شخصی است و برخاسته از حالت روحی و روانی شخص است.
- برای توضیح بیشتر، ر.ک: الأسس المنطقية للإستقراء، ص ۴۰۹.

گستره سیره و ارتکاز

- ممکن است یک سیره یا ارتکاز در عین حال که عقلایی است از جهاتی مورد پذیرش یک گروه از مردم قرار نگیرد، مثل ربا که یک امر عقلایی است.
- در نظر عقل ربا قابل دفاع نیست، بلکه به تعبیر ارسطو دزدی است؛ اما در نظر عقلا ربا امر مقبولی است.
- آن گاه بعضی از فرهنگ‌ها یا اقوام خاص یا پیروان مذهب خاص ربا را نپذیرفته و حرام دانسته‌اند.

گستره سیره و ارتکاز

- می‌دانید حرمت ربا مختص به اسلام نیست. همان‌گونه که قرآن اشاره کرده‌است یهودی‌ها بین خودشان ربا را حرام می‌دانند؛ البته ربا گرفتن از سایر اقوام و ملل را جایز می‌دانند.
- بنابراین ممکن است در بین یهودی‌ها یا در بین مسلمانان ربا نباشد؛ اما این نبودن به این معنا نیست که واقعاً ربا امر عقلایی نیست.
- در حقیقت ممکن است یک شریعت، فرهنگ و آیین، یک امر عقلایی را ردع کرده باشد.

گستره سیره و ارتکاز

- آن گاه سؤال می شود مگر شارع می تواند یک امر عقلایی را ردع کند. پاسخ این است که اگر نمی توانست، اصلاً نیازی به این بحث هاداشتیم و کافی بود ثابت کنیم یک امری عقلایی است. آن گاه می گفتیم حتماً شرعی است.
- قاعده‌ای نداریم که هر چیزی عقلایی باشد، به حتم مورد پذیرش شارع است.
- به تعبیر شیخ انصاری - رضوان الله تعالی علیه - و بعضی فقها - رضوان الله تعالی علیه - ما مقلد عقلا نیستیم؛ یعنی نظر عقلا بما هم عقلا مشروعیتی برای ما ایجاد نمی کند.

گستره سیره و ارتکاز

- بنابراین از یک سو بر پایه‌های تجربی و استقرائی و از سوی دیگر بر پایه‌های تحلیلی - عقلایی یک سیره را یا ارتکاز را ثابت می‌کنیم و از سوی دیگر ممکن است یک سیره و ارتکاز عقلایی در بعضی از اقوام یا ملل به دلیل فرهنگ خاصی که دارند کنار گذاشته شده باشد.

گستره سیره و ارتکاز

- در این صورت اگر منفک از آن حیثیت خاص به مسأله نگاه کنند، قضاوتشان همین قضاوت سایر عقلا است؛ چنانکه مسلمان با قطع نظر از حیثیت مسلمانی‌اش، ربا را امر مقبول و پسندیده‌ای می‌داند؛ چون می‌گوید وقتی پولی را در اختیار کسی می‌گذارد در ازای این فرصتی که از خود سلب کرده‌است و در اختیار او قرار می‌دهد، پول گرفتن امری کاملاً عاقلانه به نظر می‌رسد.

گستره سیره و ارتکاز

- به همین دلیل در بازار اسلامی هم با همه تلاش‌هایی که شارع برای حذف ربا انجام داده‌است، شاهد ربا هستیم. در واقع آن حیثیت عقلایی در مسلمانان قوی‌تر بوده و بر حیثیت شرعی ایشان غلبه داشته‌است.

- . النساء، ۱۶۱.

گستره سیره و ارتکاز

- بنابراین رد پای مباحث تجربی و استقرائی را، هم در بحث احراز اتصال یک سیره یا ارتکاز، به زمان معصوم - علیه السلام - و هم در بحث امضاء می بینیم. در بحث امضاء گفتیم اگر ردع می شد، به ما می رسید؛ به دلیل اینکه به حساب احتمالات محال است که چنین چیزی ردع شود و به ما نرسد.

گستره سیره و ارتکاز

- در واقع حساب احتمالات مبنای منطقی استقراء است که این خود و منشأ پذیرش مباحث تجربی است. بحث ارتکاز و سیره یک بحث بسیار گسترده در فقه و اصول است و بسیاری از مبانی اصولی و بسیاری از بحث‌های فقهی بر آن دو استوار است.
- معنای این سخن آن است که بسیاری از بحث‌های فقهی و اصولی به نحوی از انحا با روش تجربی و استقرائی ارتباط پیدا می‌کنند.

گستره سیره و ارتکاز

- «پولس» در آیین مسیحیت شریعت را الغاء کرد، در واقع باعث شد فقه در آن آیین از بین برود. در مقابل «پطرس» قائل به شریعت در آیین مسیحیت است. پس اگر در مسیحیت احکامی چون حرمت ربا وجود ندارد، به این دلیل است که شریعت الغاء شده است.
- اقتصاددان های ما در بانک مرکزی بر این باورند که «هزینه فرصت» یک امر کاملاً اقتصادی است و در اقتصاد خود را نشان داده است. اما شرع همین امر عقلایی را نپذیرفته است. اینها گمان می کنند اگر چیزی عقلایی باشد، حتماً آن را پذیرفته است.

سیره و ارتکاز دلیل لبی

- اولاً باید توجه داشته باشیم که سیره و ارتکاز جزء ادلة لبی هستند در مقابل ادلة لفظیه؛ یعنی سیره و ارتکاز یک محتوا است نه عبارت لفظی. چیزهایی که در مباحث الفاظ می‌گوییم، به لفظ از آن جهت که لفظ است، مربوط می‌شود مثل اصالة العموم، اصالة الاطلاق و اصالة الحقيقة. البته بالاخره همان محتوا را به لفظ بیان می‌کنیم.

سیره و ارتکاز دلیل لبی

- گاهی این اشتباه بسیار بزرگ رخ می‌دهد که یک محتوا را در قالب عبارتی بیان می‌کنیم. سپس مخاطب گمان می‌کند که چون این یک عبارت است، پس اطلاق یا عموم دارد؛ در حالی که چنین نیست و این عبارت تنها برای بیان آن محتوا است و غیر از یک آیه یا روایت است که خصوصیات خاص به خود را دارند. در آیه یا روایت به خود لفظ تمسک می‌کنیم و در واقع می‌خواهیم محتوا را از طریق لفظ به دست بیاوریم. به همین دلیل در آنجا احکام مربوط به الفاظ جاری است و با اصالة الاطلاق، اصالة العموم و اصالة الحقيقة دایرة محتوا را تعیین می‌کنیم.

سیره و ارتکاز دلیل لبی

- اما در سیره و ارتکاز آن محتوای در دست را به لفظ در می آوریم؛ یعنی از لفظ به محتوا حرکت نمی‌کنیم، بلکه از یک محتوایی به سمت لفظ می‌آییم. در اینجا دیگر آن اصول پیش‌گفته جاری نیست.

سیره و ارتکاز دلیل لبی

- اینکه فقها گفته‌اند در ادلة لبيه نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد، به سبب همین نکته است. یعنی در دایرة الفاظ اگر در شمول یک عبارت نسبت به یک مورد شک کردیم، با قواعدی مثل اصالة الاطلاق یا اصالة العموم شمول را ثابت می‌کنیم؛ مگر آنچه توسط دلیل از عموم یا اطلاق خارج گردد.

سیره و ارتکاز دلیل لبی

- در بحث ادلة لبی امر به عکس است؛ یعنی هر جا شک کردیم در شمول، همین شک کافی است که بگوییم شامل آنجا نمی‌شود. در اصطلاح می‌گوییم در ادلة لبی قدر متیقن اخذ می‌شود. قدر متیقن یعنی مقداری که دیگر هیچ تردیدی در شمول دلیل نسبت به آن نیست.

ضابطه مندی مباحث دلالتی سیره و ارتکاز

- آیا می‌توانیم قواعدی در ناحیه دلالت سیره‌ها و ارتکازات ارائه دهیم؛ مثلاً اگر سیره و ارتکاز این چنین باشد، فلان مدلول را دارد و اگر چنان باشد فلان مدلولش به این شکل نخواهد بود؟
- می‌شود چیزهایی را در حد کلی اشاره کرد ولی نمی‌شود آن را به طور دقیق ضابطه‌مند کرد و باید در تعیین مدلول هر سیره یا ارتکازی به صورت خاص همان سیره یا ارتکاز را با تمام خصوصیاتش در نظر بگیریم تا بفهمیم مدلول چیست.

مفاد سیره و ارتکاز

- گاهی از سیره و ارتکاز یک حکم وضعی را کشف می‌کنیم و گاهی یک حکم تکلیفی.

مفاد سیره و ارتکاز

- بسیاری از سیره‌ها و ارتکازات کاشف از حکم وضعی‌اند؛ البته به تبع یک حکم وضعی یک مجموعه‌ای از احکام تکلیفی پیدا می‌شود؛ مثلاً اینکه حیا از منشأ مالکیت است، مفاد یک سیره و ارتکاز عقلانی و حکم وضعی است که آثار تکلیفی دارد.
- از جمله آثارش این است که مالک مجاز است در مال خودش بدون اذن دیگران تصرف کند و دیگران حق ندارند در مال او بدون اذن او تصرف کنند یا مالک می‌تواند از طرق مشروع مال خود را به دیگری منتقل کند.

مفاد سیره و ارتکاز

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می فرمایند گاهی سیره به گونه‌ای است که از آن تقید و یا عدم تقید یک فعل به یک شرط را احراز می‌کنیم. برای مثال با مراجعه به سیره متشرعه در هنگام وضو گرفتن، می‌بینیم روی پایشان را با تمام کف دست مسح نمی‌کنند، بلکه با بعضی از کف دست این مسح را انجام می‌دهند. پس معلوم می‌شود در نظر شرع صحت وضو مشروط به مسح روی پا توسط تمام کف دست نیست.

مفاد سیره و ارتکاز

- به طور کلی وقتی می‌بینیم متشرعه به کیفیتی در وضو یا غسل ملتزم‌اند، کشف می‌کنیم که این کیفیت شرط صحت وضو و غسل است و اگر دیدیم متشرعه ملتزم نیستند، کشف می‌کنیم که این کیفیت شرط صحت نیست.
- چیزی که به دست می‌آوریم شرط بودن یا شرط نبودن یک چیز در صحت یک عمل است که از قبیل احکام وضعی است؛ البته هر حکم وضعی، مجموعه‌ای از احکام تکلیفی را به دنبال خود خواهد داشت.